

پژوهش‌نامه تفسیر قرآن، دوره ۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴

صفحات ۶۹۵-۷۱۶

نگاهی به آیات فقهی معابد اهل کتاب

مرتضی رحیمی*

استادیار بخش علوم قرآن و فقه دانشکده الهیات دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۵)

چکیده

گرچه اسلام همه احکام مساجد را بر معابد جاری نمی‌کند، در بسیاری از موارد معابد اهل کتاب را به دیده مساجد می‌نگرد، از همین رو نماز خواندن مسلمان در معابد اهل کتاب را صحیح می‌داند. توصیه قرآن به بزرگداشت و تعظیم شعائر خداوند، از جمله معابد اهل کتاب به دلیل روایات و وحدت ملاک، شامل حرم‌های پیامبران و ائمه علیهم‌السلام نیز می‌شود. استفاده از معابد اهل کتاب برای تغلیظ سوگند در مواردی مانند لعان و نیز باطل دانستن نکاح موقت مرد مسلمان با زن مسیحی که طلاق ازدواج قبلی وی در دادگاه صورت گرفته نه کلیسا، نشانگر آن است که اسلام به اعتقاد اهل کتاب درباره معابدشان احترام می‌گذارد. با توجه به آیات قرآن، مسجد در دو معنای عام و خاص به کار رفته است، کاربرد آن در معنای عام، معابد اهل کتاب را نیز شامل می‌شود. کاربرد مسجد در معنای خاص آن، همان معنای عرفی و مشهور نزد مسلمانان را دارد.

واژگان کلیدی

بزرگداشت، تخریب، مسجد، معابد.

مقدمه

هر مذهبی اعم از آنکه بر حق یا باطل باشد، معبد و مسجدی دارد، شرع مقدس برای این حقیقت شناخته‌شده و معهود، همانند دیگر حقایق عرفی، قیود و احکامی را بیان کرده است (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۹: ۱۵۷).

علاوه بر برخی از آیات قرآن، فقه به صور گوناگون از معابد اهل کتاب سخن به‌میان آورده تا جایی که گفته‌شده زن یهودی یا نصرانی که شوهرش مسلمان است، حق دارد همان‌گونه که یک زن مسلمان به مسجد می‌رود، به کنیسه یا معبد برود (شیرازی حسینی، ۱۴۲۶: ۵۱).

از آیات قرآنی که درباره معابد اهل کتاب سخن می‌گویند، می‌توان به عنوان «آیات الاحکام معابد اهل کتاب» تعبیر کرد. در تفاسیر و منابع فقهی درباره این آیات سخن به‌میان آمده است، اما تحقیق مستقلی پیرامون «آیات الاحکام معابد اهل کتاب» وجود ندارد. از این‌رو تحقیق حاضر به این امر اختصاص یافته تا به شیوه تحلیلی و توصیفی به پرسش‌هایی همچون: «آیا قرآن درباره معابد دیگر ادیان آسمانی سخن گفته است؟»، «آیا قرآن معابد اهل کتاب را همانند مساجد می‌داند؟»، «از دیدگاه قرآن آیا تعرض به معابد اهل کتاب و تخریب آنها مجاز است؟»، «آیا نماز خواندن در معابد اهل کتاب مجاز است؟» و جز آنها پاسخ گوید.

معابد در لغت و اصطلاح

کلمه «معابد» در لغت جمع معبد به‌معنای محل عبادت و نیز عبادت کردن است (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۹۱). در اصطلاح نیز به‌معنای مکان‌های عبادت خداوند، مانند مسجد، کنیسه، بیعه و ... می‌آید.

اهل کتاب، عبارتی در قرآن است و منظور از آن کسانی هستند که به یکی از ادیان یهود، مسیحیت و زردشتی باور دارند (حج: ۱۷). با توجه به آیه «فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُخْلِصُوا لَهُمْ مِنْكُمْ سَعَىٰ جَهَنَّمَ بَعْضًا لِّبَعْضٍ فَسَنَكْفُرُهُمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ» (عنکبوت: ۲۷) در اهل کتاب بودن یهود و مسیحیت اختلاف و تردیدی نیست. اما اهل

کتاب بودن زردشتی (مجوسی) مورد اختلاف است. برخی از فقها، زردشتی (مجوس) را اهل کتاب دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۰: ۷۶؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۳۹۰؛ نراقی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۳۵) اما برخی از فقهای امامیه، همچون شیخ بهایی (شیخ بهایی، ۱۴۱۰: ۴۶) و برخی از فقهای اهل سنت، همچون شافعی به استناد روایت «سَنُوا بِهَمْ سَنَةَ اَهْلِ الْکِتَابِ» (صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۵۳) از پیامبر ﷺ، ایشان را اهل کتاب ندانسته‌اند و آنها را «شبه کتاب» تعبیر کرده‌اند (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۳۹۱). در تحقیق حاضر دیدگاه قائلان به اهل کتاب بودن مجوس (زردشتی) مورد توجه و ملاک قرار گرفته است.

معابد اهل کتاب در قرآن

قرآن به‌طور مکرر از معابد و از جمله معابد اهل کتاب سخن به‌میان آورده است که در ادامه به آنها اشاره و بررسی می‌شوند:

۱. شعائر بودن معابد

در آیه «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲) تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی توصیه شده است. از سویی برخی از فقهای اسلامی با استناد به آیه «مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (البقره: ۱۱۵) شعائر الهی را به شعائر اسلامی محدود ندانسته‌اند و اشاره کرده‌اند که ابطال دعوت پیامبران بالضروره از نظر عقل حرام است، همچنین تخریب معابد همه ادیان به دلیل آنکه محل ذکر خدا هستند، نادرست خواهد بود، زیرا منظور از مساجد در آیه یادشده، مساجد اصطلاحی نیست، بلکه محل عبادت مد نظر است که معابد دیگر ادیان را نیز شامل می‌شود (میانجی ملکی، ۱۴۰۰: ۲۰۰؛ بلاغی نجفی، ج ۱: ۱۱۸).

در تأیید مدعای فوق و شمول آیه برای همه معابد و از جمله معابد اهل کتاب، آنچه میانجی از فقهای امامیه گفته است: «آیه عام بوده و هر معبد، مسجد، زیارتگاه، بیت، کنیسه، صومعه و کلیسایی در شب و روز در آن خداوند یاد می‌شود را شامل شده و به مسجد

مصطلح نزد فقها اختصاصی ندارد، این مبارزه با موحدین و ابطال دعوت پیامبران، حرام عقلی بدیهی بوده و به امر تعبدی نیست، بنابراین کسانی که در ابطال شعائر و مظاهر توحید خدا از هر ملت و دینی که باشد، می‌کوشند و یا به‌ویژه در شعائر و مظاهر توحید خدا از دین اسلام و تشیع می‌کوشند و مردم را از عبادت خدا بازمی‌دارند، از ظالم‌ترین مردم هستند» (میانجی، ملکی، ۱۴۰۰: ۲۰۰).

دلیل ظلم بودن منع از مساجد و معابد خدا و از جمله معابد اهل کتاب، آن است که ظلم به‌معنای آن است که چیزی در جای شایسته و مناسب خود به‌کار نرود، از آنجا که معابد و مساجد برای عبادت و یاد خدا هستند، جلوگیری از عبادت خدا نوعی ظلم و منع از قرار گرفتن چیزی در جای مناسب آن است. از سویی چنین کاری موجب انکار معبود بوده و انکار معبود مستلزم کفر است (کاظمی، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۵).

از جمله شواهدی که شمول «مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ» را درباره معابد اهل کتاب تأیید می‌کند، آن است که از یک سو آیات قبل این آیه درباره اهل کتاب سخن می‌گویند و از سویی بر اساس یکی از شأن‌نروهایی که برای آیه بیان شده، آیه به‌سبب تخریب مسجد الاقصی و آلوده کردن آن توسط رومیان نازل شده است (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۸). از آنجا که شأن نزول مخصص نیست، شأن نزول و تفسیر مزبور با احتمالات دیگری همچون منع از مسجد الحرام و دیگر مساجد منافاتی ندارد، از همین رو بیضاوی گفته است: «آیه درباره هر کس که مسجدی را تخریب کند یا در تعطیل مکانی که برای نماز مهیا شده بکوشد، عمومیت دارد، هرچند که درباره روم نازل شده که با بیت المقدس جنگیده و اهالی آن را کشته‌اند» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۰۲).

با توجه به آنچه گذشت، برخی از دانشمندان اسلامی گفته‌اند: «آیه مزبور دال بر آن است که انهدام‌های مذکور در آیه - که از کفار ذمی یا کفاری که با مسلمانان عهد و پیمان دارند می‌باشند - جایز نیست» (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۵: ۸۳). همچنین از آیه مزبور استفاده می‌شود که خداوند با فساد و تخریب عبادتگاه‌ها دشمن است، زیرا باید نشانه‌های دین خدا و آثار آن برقرار باشند و آسیب نبینند.

برخی از فقهای معاصر تخریب معابد اهل ذمه را (که در اختیار خودشان است) جایز ندانسته‌اند، مگر با وجود شرایطی که برای تخریب مسجد نیز مطرح هستند (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۲: ۲۲۲). این دیدگاه به‌ویژه در هنگامی که ساخت معبد در ضمن عقد شرط شده باشد، منطقی است.

برخی از فقها و از جمله شهید ثانی، درباره آتشکده مجوس به‌عنوان معبد و امکان لعان و تغلیظ قسم در آنها تردید کرده‌اند (شهید ثانی عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۰: ۲۳۷). با وجود این می‌توان با استناد به آیه «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲) شرافت چنین مکان‌هایی را به اعتبار آنکه در آنها خداوند یاد می‌شود، نتیجه گرفت (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۶: ۲۸۱). از سویی، برخی فقها چنین معابدی را مانند مسجد، محترم دانسته‌اند (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۲: ۹۹).

برخی از فقها در ذیل آیه مزبور با استناد به روایت «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِي الْأَرْضَ مَسْجِدًا» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۸۰: ۲۷۷) گفته‌اند که مراد از مساجد همه زمین است، بر این اساس در هر نقطه زمین به شرط آنکه غصبی یا نجس نباشد، می‌توان نماز خواند (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۹۸). همچنین تصریح کرده‌اند به‌کارگیری آلات و مصالح به‌کاررفته در مسجد، در ملک خود حرام است (علامه حلی، ج ۱: ۳۵۸). از سویی اشاره کرده‌اند که به‌کاربردن بیع و کنایس یا مقداری از آنها در ملک خود یا راه، به‌دلیل آنکه موجب تخریب محل عبادت و نیز تغییر وقف خواهد بود، به استناد آیه مذکور حرام است (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۵۴). محمود شهابی گفته است: «از جمله هفت فایده که برای این آیه یاد گشته، حرمت تخریب مساجد است، به هر وضعی که به‌حسب عرف تخریب به‌شمار باشد، خواه ویران ساختن دیوار باشد یا بردن فرش یا خاموش داشتن آن یا دایر کردن شغل‌هایی که مانع عبادت و منافعی با آن است» (شهابی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۵).

برخی از فقها و از جمله میرزای شیرازی و محمد کاظم طباطبایی گفته‌اند که گرچه معابد اهل کتاب حکم مسجد را ندارند، احوط لزوم ترک تنجیس آنهاست (نجفی، ۱۴۱۵: ۶۱). به‌عبارتی بر اساس این نگرش احتیاط واجب آن است که نجس کردن معابد کفار،

همچون نصاری و یهود جایز نیست (سبزواری، بی تا: ۷۲ و ۶۴۸) و بر فرض که به دلیل نفی حرج به عدم وجوب تطهیر معابد مزبور حکم کنیم، این امر مستلزم جواز تنجیس معابد اهل کتاب نخواهد بود (آملی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۵۱ و ۵۲) زیرا نجس کردن معابد مزبور با لزوم تعظیم و بزرگداشت شعائر خداوند (حج: ۳۲) که برخی از فقهای اسلامی (میانجی ملکی، ۱۴۰۰: ۲۰۰) معابد اهل کتاب را نیز مشمول آن دانسته‌اند، همخوانی ندارد.

علاوه بر آیه «مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ» (البرق: ۱۱۵) در آیات دیگری به معبد اهل کتاب نیز مسجد اطلاق شده است؛ از جمله: «سبحان الذی أسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لئریه من آیاتنا إن هو السمع البصیر» (اسراء: ۱). برخی از مفسران به قرینه سیاق، مراد از «المسجد الاقصی» را بیت المقدس دانسته‌اند و گفته‌اند چون نسبت به مسجد الحرام دور بوده، خداوند آن را مسجد الاقصی خوانده است (شیخ طوسی، بی تا، ج ۶: ۴۴۶). چنانکه می‌دانیم در هنگام نزول قرآن، مسجد الاقصی از معابد اهل کتاب بوده است.

از دیگر آیاتی که در آن مسجد به معنای معبد به کار رفته‌اند، آیه «قال الذین غلبوا علی أمرهم من المسلمین و ملکهم لنتخذن علیهم مسجداً یصلی فیہ المسلمون و یتبرکون بمکانهم» (کهف: ۲۱)؛ آنها که از رازشان آگاهی یافتند و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند، گفتند: ما مسجدی (معبدی) در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم تا خاطره آنها فراموش نشود و مسلمین در آن نماز بخوانند و به مکان آنها تبرک جویند. در این آیه، مسجد به معنای معبد به کار رفته است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۳۱). سخن علامه طباطبایی نشانگر کاربرد «مسجداً» به معنای «معبداً» است که گفته‌اند: «ظاهر در این است که مردم شهر، مسجدی بر بالای آن غار بنا کردند، اما افسوس اثری از آن مسجد در غار وجود ندارد و حتی خرابه‌ای از آن به چشم نمی‌خورد، نه اثر مسجد نه اثر صومعه و نه مانند آن. و نزدیک‌ترین بنای دینی که در آن دیار به چشم می‌خورد، کلیسایی است که تقریباً در سه کیلومتری غار قرار دارد و هیچ جهتی به ذهن نمی‌رسد که آن را به غار مرتبط سازد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۲۹۷). دخیل علی بن محمد علی نیز گفته است: «مسجداً، یعنی معبد و محلی برای عبادت و

سجده خداوند، برخی گفته‌اند، یعنی مسجدی که اصحاب کهف در هنگام بیدار شدن در آن نماز بخوانند» (الوجیز فی تفسیر: ۳۸۹). صادقی تهرانی نیز گفته است: «اصحاب کهف به دلیل منزلت و جایگاه بلندشان، استحقاق آن را داشتند که در جای ایشان مسجد و معبدی ساخته شود» (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۲۹۹).

از دیگر آیات در قرآن مجید که در آن کلمه «مسجد» شاید به معنای معبد باشد، آیه ۱۸ سوره جن است که در آن می‌خوانیم: «وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً»، زیرا در مفهوم «مساجد» سه احتمال متصور است که عبارتند از:

۱. مکان‌هایی که در آنجا برای خدا سجده می‌شود که مصداق اکمل آن، مسجد الحرام و مصداق دیگرش، مساجد دیگر و مصداق گسترده‌تر آنها همه مکان‌هایی است که انسان در آنجا نماز می‌خوانند.

۲. اعضای هفت‌گانه بدن که در هنگام سجده بر روی زمین قرار می‌گیرند، روایت امام جواد علیه السلام مؤید این تفسیر است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۲۵۲).

۳. همواره باید سجده برای خداوند باشد. این تفسیر برخلاف ظاهر آیه است و برای تأیید آن قرینه‌ای نداریم (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۹: ۹۵ و ۹۶).

در بین تفاسیر سه‌گانه دیدگاه اول بهترین آنهاست که از آن می‌توان کاربرد مسجد در معنای محل عبادت، از جمله معابد اهل کتاب را نتیجه گرفت.

با وجود آنچه در کاربرد کلمه «مسجد» در معنای «معبد» گذشت، گاهی در قرآن واژه مسجد در مقابل عبادتگاه‌های اهل کتاب قرار گرفته، در این‌گونه موارد منظور از مسجد، مساجد مسلمانان است، مانند «ولو لادفع الله الناس بعضهم لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیراً» (حج: ۴۰)؛ زیرا «یذکر فیها اسم الله کثیراً» در آیه وصفی است که به مساجد مسلمانان اختصاص دارد، چه آنکه نسبت به دیگر محل‌های عبادت، ازدحام بیشتری از مردم در آن وجود دارد، زیرا در مساجد مسلمانان نمازهای یومیه در طول ایام سال در چند نوبت برگزار می‌شوند، اما در معابد دیگر ادیان تنها در روزهای خاص، مانند شنبه باز است یا در چند روز محدود از سال این معابد باز هستند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۳۵۸).

۲. آیاتی که از مطلق معابد به عنوان «بیوت خدا» تعبیر کرده‌اند

در برخی از آیات قرآن از عبادتگاه‌ها اعم از آنکه مربوط به مسلمانان باشند یا غیرمسلمانان و از اهل کتاب، به خانه‌های خدا تعبیر شده است، از جمله: «فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعُوا وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور: ۳۶).

در اینکه منظور از «فی بیوت اذن الله أن ترفع» در آیه مزبور به چه معناست، موارد متصور عبارتند از:

۱. مساجد: این دیدگاه توسط ابن عباس و برخی دیگر بیان شده است.
۲. بیت المقدس: این دیدگاه را حسن بصری بیان داشته است.
۳. دیگر بیوت و مکان‌های عبادت و پرستش خداوند: این دیدگاه را عکرمه بیان کرده است (ابن عربی، بی تا، ج ۳: ۱۳۸۹).

جمع بین سه دیدگاه مورد اشاره، شمول معابد اهل کتاب را نتیجه می‌دهد، چنانکه ویژگی‌هایی که در ذیل آیه برای بیوت مذکور بیان شده است، دیدگاه سوم را تأیید می‌کند. ویژگی‌های مورد بحث عبارتند از: اول) «و هر صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند» (يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)؛ دوم) «مردانی که نه تجارت، آنها را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و ادای زکات بازمی‌دارد و نه خرید و فروش» (رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ)؛ سوم) که همچنین در آیه بعد به آن اشاره شده «آنها از روزی می‌ترسند که دل‌ها و دیده‌ها در آن دگرگون و زیر و رو می‌شود» (يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ).

ویژگی‌های سه‌گانه مورد اشاره نشان می‌دهند که این بیوت همان مراکزی هستند که: به فرمان پروردگار استحکام یافته و مرکز یاد خدا بوده و حقایق اسلام و احکام خدا از آنها نشر می‌یابند، علاوه بر مساجد، خانه‌های انبیا و اولیا، مخصوصاً خانه پیامبر ﷺ و خانه علی ﷺ در معنای وسیع سوم جای می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۹۹).

برخی از حکما در تفسیر «فی بیوت» از دیدگاه چهارمی سخن به میان آورده‌اند و منظور

از بیت را قلب دانسته‌اند و گفته‌اند که در سخن پیامبر ﷺ «لا تدخل الملائكة بيتا فيه كلب: ملائکه در خانه‌ای که در آن سگ باشد وارد نمی‌شوند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۷: ۴۵۸). منظور از بیت، خانه و منظور از کلب، حرص است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۵); یعنی ملائکه در قلبی که در آن حرص باشد، وارد نمی‌شوند.

از جمله شواهدی که گستردگی آیه و شمول آن در مورد معابد اهل کتاب را توجیه می‌کند، آن است که برخی از فقها با استناد به آیه مورد اشاره به دلیل وحدت ملاک که تعظیم شعائر خداوند باشد، حسینیه‌ها را مشمول و مصداق آیه دانسته‌اند (کلانتر، ۱۴۱۰، ج ۱۰: ۱۱). از سویی چنانکه گذشت تعظیم بزرگداشت معابد اهل کتاب نیز توصیه شده است (میانجی ملکی، ۱۴۰۰: ۲۰۰).

با توجه به تفسیر یادشده، بر اساس روایات، نماز خواندن در کلیساها (بیع) و کنیسه‌ها صحیح است، چنانکه امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسشی، نماز خواندن در این معابد را، حتی در زمانی که اهل کتاب در آن مشغول نماز هستند، جایز دانستند و به پرسش‌کننده فرمودند: «مگر آیه "قل کلُّ یعمل علی شاکلته فریکم اعلم بمن أهدی سبیله" (الاسراء: ۸۴) را نخوانده‌ای؟ رو به قبله نماز بگزار و کاری به آنها نداشته باش» (صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۴۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۸۸). در بی‌اشکال بودن نماز در این معابد، تفاوتی میان نماز واجب و تطوعی (مستحب) نیست؛ گرچه نماز در مسجد افضل است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۳۹).

بسیاری از متقدمان فقه‌های شیعه، نماز خواندن مسلمان در معابد اهل کتاب را مکروه دانسته‌اند (گیلانی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۹۴) اما از دیدگاه مشهور علمای شیعه، نماز در این معابد مکروه نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۳۷۵). برخی از فقها، کراهت نماز در کنیسه را به وجود تصویر در آن منوط دانسته‌اند، نه به سبب کنیسه بودن (حلی علامه، ۱۴۱۲، ج ۴: ۳۲۸).

برخی از فقها پاشیدن آب پیش از نماز در معابد اهل کتاب را، در صورت شک در نجاست آنها مستحب دانسته‌اند؛ گرچه در چنین حالتی نیز محکوم به طهارتند (یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۳). در فرض عدم شک در نجاست معابد مزبور، پاشیدن آب در آنها

مستحب نیست (عراقی، ۱۳۸۰: ۴۰۸). مستند این نظر، روایاتی است که در این زمینه وارد شده‌اند. به نظر می‌رسد امر به پاشیدن آب شاید به واسطه یکی از این موارد باشد: ۱. قذارت معنوی این مکان‌ها؛ در این صورت استحباب حتی با قطع به طهارت حسی باقی می‌ماند؛ ۲. نجاست کنیسه بما هو کنیسه (ذاتی)؛ ۳. شک در نجاست عرضی این مکان‌ها. شاید آنچه مشهور از این روایات فهمیده باشند، احتمال اخیر باشد (صدر، ۱۴۰۸، ج ۴: ۶۶ و ۶۷).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ پرسش «نماز در معابد اهل کتاب چه حکمی دارد؟» گفته‌اند که: «اشکال ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۲۵). آیت‌الله فیاض نیز گفته‌اند: «نماز خواندن در بیع (کلیساها) و کنیسه‌ها بدون پاشیدن آب و حتی بدون اجازه گرفتن اهالی آنها، همانند نماز خواندن در مساجد مسلمانان جایز است» (فیاض کابلی، بی تا، ج ۳: ۱۳۵).

در برخی از روایات آمده است که منظور از «فی بیوت أذن الله أن ترفع و یذکر فیها اسمہ» بیوت و خانه‌های پیامبران است. بیت علی علیه السلام نیز از جمله آنها می‌باشد (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۷۳).

۳. کاربرد دیگر معابد به‌طور خاص در قرآن

معابد اهل کتاب در قرآن به‌طور خاص تحت عناوین «صوامع»، «بیع» و «صلوات» نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند که به این موضوع می‌پردازیم:

۱. صوامع جمع صومعه است.

۲. بیع جمع بیعه است.

بر اساس یک دیدگاه هر دو از عبادتگاه‌های نصاری هستند، زیرا صومعه برای راهبان مسیحی و بیعه یا کلیسا برای نصاری ساکن در شهرها به کار می‌رود، چنانکه طبرسی گفته است: «بیع معابد نصاری در شهرها و صوامع معبد آنهاست در کوه‌ها و صحراها» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۳۹).

۳. صلوات: کنشت‌های یهود است (همان).

آیه «و لَوْ لَادْفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ

فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد» (حج: ۶۰)؛ به‌طور خاص به معابد اهل کتاب اشاره دارد، به عبارتی آیه یادشده به ادیان چهارگانه توحیدی حتی مجوس اشاره می‌کند، زیرا ادیان مزبور در اصل توحیدی بوده‌اند.

از آنجاکه مسئله توحید در رأس مسائل مشترک انبیای الهی بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بر اساس آیه مزبور مسلمانان وظیفه دارند در صورتی که توحید و مراکز عبادت اهل ادیان آسمانی مورد هجوم کفار قرار گیرد، حوزه مسئولیت خویش را گسترش دهند و به دفاع از کیان توحید و مراکز عبادت ادیان توحیدی برخیزند.

بر اساس آیه مزبور چنانکه خداوند توسط بعضی جلوی تهاجم بعضی دیگر را نگیرد، تمام صومعه‌ها و دیگر مراکز عبادت خراب می‌شوند، مراکز عبادت یهودی‌ها از بین می‌رود، مراکز صوفی‌ها و مساجد، یعنی عبادت‌گاه‌های مسلمانان از بین می‌روند. به عبارتی تهاجم به عبادت‌گاه‌ها و دیگر سرزمین‌ها موجب می‌شود که هیچ کس به آزادی نتواند خدا را عبادت کند. از همین روی از جمله فواید و فلسفه‌های وجود جهاد، حفظ عبادتگاه‌هاست، چنانکه شهید مطهری گفته است: «گویی در اینجا مخاطبش کشیش‌ها هستند که مذهب و جهاد را ضد یکدیگر می‌دانند و می‌گویند اگر مذهب است، مسئله جهاد دیگر یعنی چه؟ قرآن می‌گوید اگر جهادها برای دفع فسادها نمی‌بود، این معبد جنابعالی هم وجود نداشت. آن کلیسا معبد مسیحی، آن معبد یهودی، آن معبد زردشتی، آن معبد اسلامی و به‌طور کلی معابد، وجود خودشان را مدیون جهادها و دفاع‌ها هستند، و آلا همیشه افراد فاسد و مفسد که در جامعه هستند، آنها که پایبند به هیچ وجدان و ایمانی نیستند، دست به کار می‌شوند، ما هم بگوییم دین و مذهب با این کارها مخالف است! این همان حرفی است که گفت: سنگ را بسته سگ رها کرده؛ سنگ را ببندید سگ را رها کنید» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۵: ۲۷۵).

با توجه به آنچه گذشت، برخی از دانشمندان اسلامی گفته‌اند: «آیه مزبور دال بر آن

است که انهدام مکان‌های مذکور در آیه - که از کفار ذمی یا کفاری که با مسلمانان عهد و پیمان دارند می‌باشند - جایز نیست» (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۵: ۸۳). همچنین از آیه مزبور استفاده می‌شود که خداوند، فساد و تخریب عبادتگاه‌ها را دشمن می‌دارد، چه آنکه باید نشانه‌های دین خدا و آثار آن برقرار باشند و آسیب نبینند.

برخی بر این باورند که آیه مزبور (حج: ۴۰) به زمان گذشته مربوط بوده و دفاع از معابد زمان حضرت موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و مساجد زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله را توصیه می‌کند و شامل دفاع مسلمانان از معابد اهل کتاب در زمان حاضر نمی‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۳۹). اما دیدگاه درست آن است که آیه فقط به لزوم دفاع از معابد اهل کتاب در گذشته اشاره ندارد، زیرا اطلاق آیه و مخاطب بودن مسلمانان کنونی، لزوم دفاع از معابد اهل کتاب در زمان حاضر را نیز نتیجه می‌دهد، چنانکه علامه طباطبایی پس از بیان آنکه آیه در موضع تشریح جهاد و قتال است و مراد از «دفع الله بعضهم ببعض» اعم از قتال بوده و دفع به وسیله قتال آخرین اقدامی است که در این زمینه صورت می‌گیرد، گفته است:

«فلسفه تشریح قتال حفظ مجتمع دینی از شر دشمنانی است که با تمامی قوا در صدند نور خدا را خاموش کنند؛ اگر جهاد و قتال نبود، معابد دینی و مشاعر الهی منهدم می‌شد و عبادت‌ها و مناسک نسخ می‌شد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۸۶).

دفاع از اهل کتاب و معابد آنان عام است و شامل معابد اهل کتاب در زمان حاضر نیز می‌شود. رشید رضا در این زمینه گفته است:

غرض دوم از تشریح جنگ در اسلام، حمایت از همه ادیان الهی است آن‌گاه که مورد تجاوز قرار گیرند و آیه شریفه "لولا دفع الله الناس" بر آن دلالت دارد. اگر خداوند چنین دفاعی را اجازه نمی‌داد، همه عبادت‌گاه‌هایی که خداوند در آن مورد پرستش قرار می‌گیرد، همچون صومعه‌های نصاری و کنیسه‌های یهود و مساجد مسلمانان، بر اثر ستم بت‌پرستان و منکران معابد از بین می‌رفت و این یک اصل دینی عام است که به آزادی ادیان صراحت دارد و نیز بر حمایت مسلمانان از معابد اهل آن دلالت دارد» (رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۲۸۰).

برخی واژه بیعه (که جمع آن بیع است) را به معنای معابد مسیحیان دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۲۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۶۵؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۵۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۲: ۵۹؛ صاحب ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۷۸). در مقابل یکی از نویسندگان به نقل از المنجد، بیعه را اعم از معابد مسیحیان و یهودیان معنا کرده است (وجدانی، ۱۴۲۶، ج ۲: ۱۵۶). برخی از دیدگاه سومی سخن گفته‌اند که بر اساس آن، واژه بیعه، معابد کوچک هر دو دین را دربر می‌گیرد؛ همان‌گونه که مسجد در بین مسلمانان چنین است (گیلانی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۹۸). طبرسی نیز می‌گوید: «بیع معابد نصاری است در شهرها و صوامع معبد آنهاست در کوه‌ها و صحراها» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۳۹).

در اینکه کنیسه (که جمع آن کنائس است) بر چه معابدی دلالت دارد، میان صاحب‌نظران اختلاف نظر بوده است؛ برخی آن را عبادت‌گاه یهود دانسته‌اند، برخی آن را به معنای عبادت‌گاه مسیحیان گرفته‌اند و بعضی نیز آن را عبادت‌گاه مطلق کفار دانسته‌اند (واسطی زبیدی، ج ۸: ۴۵۰). برخی نیز گفته‌اند که کنیسه، معابد بزرگ یهودیان و مسیحیان را شامل می‌شود و مانند مسجد جامع برای مسلمانان است (گیلانی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۹۸).

با توجه به آیه یادشده به نظر می‌رسد که این دو واژه تنها در مورد معابد یهود و نصاری به کار رفته‌اند و دیدگاهی که آن را معبد مطلق کفار می‌داند، درست نیست؛ زیرا در فقه شیعه احکام معابد یهود و نصاری با هم تفاوتی ندارند.

بر اساس تفسیر ابن عباس و ابن جنی کلمه «صلوات» در آیه مذکور به کنیسه‌های یهود اشاره دارد (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ۶۰۸) زیرا از کلمه «صلوتا» عبری به معنای مکان صلاه گرفته شده اما عرب مجازاً به دلیل اطلاق اسم محل بر حال، آن را در معنای دعا استعمال کرده است (حسنی، ۱۴۲۰: ۳۳).

اهل کتاب انجام دادن برخی کارها را در معابد خود شرط دانسته‌اند، مثلاً بر اساس دیدگاه مسیحیت، ازدواج و طلاق مسیحیان باید در کلیسا انجام گیرد، با توجه به شرط مزبور، برخی از فقها ازدواج موقت مرد مسلمان با زن مسیحی را (که در دادگاه طلاق داده شده است و نه کلیسا) جایز ندانسته‌اند (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴: ۲۳۶).

از جمله موارد کاربرد معابد اهل کتاب آن است که می‌توان از آنها برای تغلیظ سوگند اهل کتاب بهره گرفت (هاشمی، ۱۴۲۶، ج ۲: ۵۴۹).

لعان اهل کتاب نیز باید در مکانی صورت گیرد که به عظمت آن اعتقاد دارند؛ مانند کلیسا، کنیسه و آتشکده (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۱۹۸).

از جمله اصطلاحات مرتبط با معابد اهل کتاب که به‌طور خاص در قرآن به آن اشاره شده، واژه «محاریب» جمع محراب است، این واژه یک بار در قرآن و آن هم در آیه «یعلمون له مایشاء من محاریب و تماثیل ...» هر چه می‌خواست از معبدها و تمثال‌ها برایش درست می‌کردند» (سبا: ۱۳) به‌کار رفته است. از آیه مزبور برمی‌آید که محراب‌ها و معابد بسیار عالی و زیبا و وسایل زندگی مختلف از جمله دیگ‌ها و سینی‌های بسیار بزرگ و مانند آن برای حضرت سلیمان علیه السلام می‌ساختند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱۳: ۴۷۶).

برخی از نویسندگان آیات الاحکام با استناد به آیه مزبور گفته‌اند که تصاویری که در معابد پیش از اسلام به‌کار می‌رفته، مباح و مجاز بوده، اما در اسلام به‌دلیل روایاتی از آن تصاویر منع شده است (احکام القرآن جصاص، ۱۴۰۵، ج ۵: ۲۴۶). نگرش یادشده با روایاتی از ائمه علیهم السلام که تماثیل را به‌معنای تصاویر درختان دانسته‌اند (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۵۸) همخوانی ندارد، زیرا تماثیل در آیه به‌معنای تصاویر مردان و زنان و به‌عبارتی جانداران نبوده، بلکه تصاویر درختان و مشابه آنهاست که مجاز و مباح هستند.

برخی از فقها با استناد به آیه مذکور نماز خواندن در لباس منقوش به تصاویر حیوانات مکروه دانسته‌اند (بحرانی آل‌عصفور، ۱۴۰۵، ج ۷: ۱۴۹).

از جمله روایاتی که از کشیدن تصویر منع می‌کنند، روایت ابن‌عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله است که حضرت در آن فرموده‌اند: «کلّ مصوّر فی النار یجعل له بکلّ صورة صورها نفساً فتعذب به فی جهنّم إن کنت و لابدّ فاعلاً فاصنع الشجر و ما لانفس له؛ هر فردی که تصویر می‌کشد، جای وی دوزخ است، در مقابل هر تصویری که می‌کشد، جاننداری برای وی قرار داده می‌شود تا در دوزخ او را عذاب کند، اگر به کشیدن تصویر ناگزیر و ناچار است، تصویر درخت و غیرجانداران را بکشد» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۶۱۸).

با وجود جواز کشیدن تصویر درخت و غیرجانداران در محل عبادت، جواز مزبور بر عدم کراهت نماز در چنین جایی دلالت ندارد.

«مَحَارِبٍ» جمع «محراب» یا به معنای محل عبادت است یا به معنای محل حرب و جنگ، زیرا بر بالای قصرها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می‌شد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۴۲۹). محاریب به معنای مساجد نیز به کار رفته است، در این صورت تسمیه مساجد به محراب از آن روست که جایگاه نبرد با شیطان و نفس است (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۳۴۳). شاید علت تسمیه محراب آن باشد که انسان در محراب باید حریب (سلیب) باشد، یعنی باید هر نوع مشغولیت دنیا و پراکندگی ذهن را از خودش دور کند. برخی گفته‌اند که اصل در محراب خانه آن است که صدر و بالای خانه باشد، پس از آنکه مساجد برای عبادت در نظر گرفته شدند، صدر مساجد به عنوان محراب نامگذاری شد. برخی گفته‌اند که محراب به مسجد مختص بوده و صدر خانه به تشبیه محراب مسجد، محراب نامیده شده است. برخی گفته‌اند که منظور از محاریب در آیه مزبور چیزی است که اهل کتاب آن را مذبح می‌گویند که در قسمت جلوی معبد قرار دارد و یک درب دارد که با چند پله می‌توان به آن رسید، افرادی که در معبد قرار دارند، افراد حاضر در محراب را نمی‌بینند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۷۴).

وصیت برای معابد اهل کتاب

برخی از فقها با توجه به آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۱) وصیت مسلمانان برای معابد اهل کتاب به منظور تألیف قلوب را جایز دانسته‌اند، چنانکه علامه حلی گفته است:

«اگر مسلمان مالی را برای کنایس و بیع و کتب تورات و انجیل و یاری نمودن ظالم وصیت کند، وصیت مزبور نافذ نبوده و عمل به آن جایز نیست. وصیت مسلمان برای معابد اهل کتاب، برای تألیف قلوب ایشان جایز است» (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۵).

برخی از فقها عدم جواز وصیت برای معابد اهل کتاب را مشروط به آن دانسته‌اند که مسلمان اجرای آن را عهده‌دار شود (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۵۰۷). تعبیر مزبور نشانگر آن است که وصیت اهل کتاب برای معابد خودشان (در فرضی که خودشان مجری وصیت باشند) جایز است.

نتیجه‌گیری

دیدگاه اسلام درباره معابد اهل کتاب بیانگر آن است که گرچه اسلام در پاره‌ای از احکام، بین مسجد و عبادتگاه تفاوت قائل است و در برخی موارد احکام مسجد را درباره معابد جاری نمی‌داند، با وجود این در بسیاری از موارد، معابد را به دیده مساجد می‌نگرد.

دیدگاه اسلام درباره دفاع از معابد که در پاره‌ای از آیات به آن اشاره شده و نیز توصیه به تعظیم و بزرگداشت شعائر از جمله معابد اهل کتاب، نشانگر آن است که از دیدگاه اسلام، معابد به دلیل آنکه محل پرستش و عبادت خدا هستند، اهمیت بسزا دارند، از همین روی نماز خواندن مسلمانان در معابد اهل کتاب صحیح دانسته شده است.

مسجد در دو معنای عام و خاص به کار رفته است، در معنای عام مفهوم معبد و پرستشگاه را دارد و معابد اهل کتاب را نیز شامل می‌شود، اما در معنای خاص، مسجد به معنای مشهور نزد مسلمانان را دربر می‌گیرد و شامل معابد اهل کتاب نیست. در آیتی که معابد اهل کتاب، همچون صوامع، بیع و صلوات در کنار مساجد به کار رفته‌اند، مساجد در معنای خاص بوده‌اند.

با وجود اشتراک‌هایی که معابد اهل کتاب و مساجد مسلمانان در پاره‌ای از احکام، همچون لزوم تعظیم و بزرگداشت و ... دارند، به دلیل آنکه در مساجد در هر شبانه روز در چند مرتبه خداوند توسط نمازگزاران زیاد عبادت می‌شود و در مقابل معابد اهل کتاب در روزهای محدودی از سال بر روی نمازگزاران گشوده می‌شوند، مساجد اهمیت بیشتری دارند.

توصیه‌های اسلام در مورد مساجد مسلمانان و معابد اهل کتاب، از لزوم تعظیم و بزرگداشت شعائر خدا ناشی می‌شود، این امر به مساجد و معابد اهل کتاب محدود نشده

است، بلکه به دلیل وحدت ملاک و نیز روایات، شامل حریم‌های پیامبران و ائمه علیهم‌السلام می‌شود. استفاده از معابد اهل کتاب برای تغلیظ سوگند در مواردی، مانند لعان و نیز باطل دانستن طلاق اهل کتاب که در دادگاه انجام گرفته نه کلیسا، نشانگر آن است که اسلام به اعتقاد اهل کتاب دربارهٔ معابدشان احترام می‌گذارد.

منابع

قرآن کریم.

۱. آملی، میرزا هاشم (۱۴۰۶). *المعالم المأثورة*، ج ۳، قم، مؤلف الكتاب.
۲. ابن العربي، محی‌الدین (بی‌تا). *احکام القرآن*، ج ۳، بی‌جا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، ج ۸، بیروت، دارالفکر و الطباعة و النشر و التوزيع.
۴. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، تهران، بنیاد بعثت.
۵. بحرانی، محمد سند (۱۴۱۵ق). *سند العروة الوثقی*، ج ۲، قم، انتشارات صحفی.
۶. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة*، ج ۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد (۱۳۷۱). *المحاسن*، ج ۲، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۸. بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰ق). *تفسیر آلاء الرحمن*، ج ۱، قم، بنیاد بعثت.
۹. بهایی عاملی، محمد بن حسین (۱۴۱۰ق). *حرمة ذبايح اهل الكتاب*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸). *استفتائات*، ج ۲ و ۴، قم، دفتر حضرت آیت‌الله بهجت.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل*، ج ۱، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۱۲. جصاص، احمد (۱۴۰۵ق). *احکام القرآن*، ج ۵، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، ج ۵ و ۲۸، قم، مؤسسه آل‌البيت علیهم‌السلام.
۱۴. حسنی، هاشم معروف (۱۴۱۱ق). *تاریخ الفقه الجعفری*: قم، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. حلی علامه، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه*، ج ۳، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.

۱۶. _____ (۱۴۱۲). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، ج ۴، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۷. _____ (۱۴۱۹). *نهایة الاحکام*، ج ۱، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۸. حلی جمال الدین، احمد (۱۴۱۰). *المقتصر من شرح المختصر*، ج ۲، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالتقافة
۲۰. راوندی قطب الدین، سعید (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن*، ج ۱، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی
۲۱. رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق). *المنار*، ج ۱۱، بیروت، دارالمعرفة
۲۲. سبزواری، عبدالأعلی (۱۴۱۳). *مهذب الاحکام*، ج ۱۹، قم، دفتر آیت الله سبزواری.
۲۳. سبزواری، سید عبدالاعلی (بی تا). *جامع الاحکام الشرعیة*، قم، مؤسسه المنار.
۲۴. شهابی، محمود (۱۴۱۷ق). *ادوار فقه*، ج ۲، تهران، سازمان چاپ و انتشارات
۲۵. شهید ثانی عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، ج ۱۰، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۶. شیرازی حسینی، سید محمد (۱۴۲۶ق). *الفقه، السلم و السلام*، بیروت، دارالعلوم للتحقیق و الطباعة و النشر
۲۷. صاحب ابن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴). *المحیط فی اللغة*، ج ۲، بیروت، عالم الكتاب.
۲۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ق). *البلاغ فی تفسیر القرآن*، قم، نشر مؤلف
۲۹. صدر، محمد باقر (۱۴۰۸). *بحوث فی شرح العروة الوثقی*، ج ۴، قم، مجمع الشهد آیت الله الصدر العلمی.
۳۰. صدوق قمی، محمد بن علی (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*، ج ۱ و ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۳۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، ۱۳ و ۱۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ پنجم

۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۳۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج ۵، تهران، المكتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة.
۳۴. _____ (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی
۳۵. عراقی، عبدالنبی (۱۳۸۰). *المعالم الزلفی*، قم، المطبعة العلمية.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، ج ۲، قم، نشر هجرت
۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). *الوافی*، ج ۷ و ۱۲، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۳۸. فیاض کابلی، محمد اسحاق (بی تا). *تعلیق مبسوطه علی العروة الوثقی*، ج ۳، قم، انتشارات محلاتی.
۳۹. فیاض کابلی (۱۴۲۶). *توضیح المسائل*، قم، انتشارات مجلسی.
۴۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، ج ۹، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۴۱. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲). *قاموس قرآن*، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۴۲. کاظمی، فاضل، جواد بن سعد (بی تا). *مسالك الافهام الی آیات الاحکام*، ج ۱، بی جا، بی نا
۴۳. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد*، ج ۲، قم، مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام
۴۴. کلانتر، سید محمد (۱۴۱۰). *حاشیة مکاسب شیخ انصاری*، ج ۱۰، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، ج ۳، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۴۶. گیلانی، سید محمد باقر (۱۴۰۹). *تحفة الأبرار الملتقط من آثار الائمة الأطهار*، اصفهان، انتشارات کتابخانه مسجد سید.

۴۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰). بحار الانوار، ج ۸۰، بیروت، مؤسسه الطبع
۴۸. مدرسی، محمد تقی (۱۳۷۷). تفسیر هدايت، ج ۱۰، ترجمه مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
۴۹. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۶، تهران، مرکز الكتاب للترجمة و النشر.
۵۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳ش). مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۵، قم - تهران، انتشارات صدرا.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲ش). تفسیر نمونه، ج ۳، ۱۳ و ۱۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق). الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۳، ۱۰ و ۱۹، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام
۵۳. میانجی ملک، محمد باقر (۱۴۰۰). بدایع الاحکام فی تفسیر آیات الاحکام، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۵۴. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۸، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۵۵. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۵ق). مجمع الرسائل، مشهد، مؤسسه صاحب الزمان
۵۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۲۲ق). رسائل و مسائل نراقی، قم، کنگره نراقیین
۵۷. واسطی زبیدی، محب‌الدین (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸ و ۱۹، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵۸. وجدانی، قدرت‌الله (۱۴۲۶). الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة، ج ۲، قم، انتشارات سماء قلم.
۵۹. هاشمی، محمود (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق با مذهب امامیه، به قلم جمعی از پژوهشگران، زیر نظر سید محمود هاشمی، ج ۲، قم، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

٦٠. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی (١٤٠٩). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، ج ١، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.